

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی
مرکز آموزش های نیمه حضوری و تخصصی آزاد

عنوان :

تحلیل محتوایی اشعار منوچهری دامغانی
پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما :

دکتر محمد حسن حائری

استاد مشاور :

دکتر غلامرضا مستعلی پارسا

نگارش :

محمد انصاری

شهریور ۱۳۹۰

چکیده

هدف ما در این پژوهش تحلیل محتوایی اشعار منوچهری دامغانی است. نگارنده سعی کرده با دقت شدن در اشعار این شاعر، درون مایه ها و مضامین شعری آن را مشخص و استخراج کند. ملاک ما برای انتخاب و استخراج درون مایه ها، تعداد دفعات تکرار آن درون مایه بود؛ به عبارت دیگر مضامینی را انتخاب کرده ایم که بسامد بالایی داشته باشند.

سوالاتی که در این پژوهش به آنها جواب داده ایم، به شرح ذیل هستند:

الف- درون مایه های اصلی اشعار منوچهری دامغانی چیست؟

ب- مضامینی که منوچهری در اشعار خود آورده، تقلیدی هستند یا ابداع خود شاعرند؟

در این پژوهش بر ما روشن شد که منوچهری هم تحت تأثیر شعرای فارسی زبان پیش از خود بوده و هم به خاطر تسلط بر زبان عربی، از شعرای عرب تأثیر پذیرفته است.

درون مایه های دیوان منوچهری، را می توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

- ۱- طبیعت، که خود شامل: گل ها، پرندگان، ماه و ستارگان، خورشید، قوس و قزح، ابر، باران، شب، بهار، و خزان و... است. ۲- شراب ۳- مدح ۴- علوم، که خود شامل: طب، نجوم، نرد و شطرنج و موسیقی است. ۵- جشن ها و اعیاد ۶- عشق ۷- نکوهش دنیا و نکوهش حاسدان ۸- مضامین قرآنی و حدیث ۹- توصیف اسب ۱۰- آوردن عنوان ها و اسامی در شعر(اسامی شعرای عرب، قهرمانان شاهنامه و پیامبران)

کلید واژه: منوچهری دامغانی، تحلیل محتوایی، درون مایه، طبیعت، شراب و مدح.

فهرست مطالب

فصل اول _____ کلیات

۲	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۲- بیان مسأله
۴	۱-۳- اهداف تحقیق
۵	۱-۴- سؤالات تحقیق
۵	۱-۵- فرضیه ها
۶	۱-۶- تعریف مفاهیم
۷	۱-۷- زندگی نامه

فصل دوم _____ طبیعت

۱۰	۲-۱- طبیعت
۱۳	۲-۲- گل
۱۷	۲-۳- پرندگان
۲۰	۲-۴- اطلال و دمن
۲۴	۲-۵- بهار
۲۷	۲-۶- خزان
۲۹	۲-۷- ماه
۳۰	۲-۸- خورشید
۳۱	۲-۹- قوس و قزح
۳۱	۲-۱۰- ابر
۳۲	۲-۱۱- باران
۳۴	۲-۱۲- شب

فصل سوم ————— شراب

- ۳۸-۱- شاعر باده را انیس خود و آن را شفای همه غم‌ها می‌داند
- ۳۹-۲- شاعر برای خود "تقویم عشرت" می‌سازد
- ۴۰-۳- شاعر می‌را داروی خواب می‌داند
- ۴۱-۴- منوچهری، نوشیدن می‌را همرا با نغمه‌های موسیقی لذت بخش تر می‌داند
- ۴۲-۵- کسی که شراب ننوشد، از نظر منوچهری از گروه کرام نیست
- ۴۳-۶- منوچهری، مراحل ساخت شراب را در شعر آورده است
- ۴۵-۷- اشاره به آداب و رسوم باده‌نوشی
- ۳-۸- منوچهری آن قدر به شراب علاقه داشته که دوست دارد در گور هم شراب همراه خود داشته باشد
- ۴۶

فصل چهارم ————— مدح

- ۴۹-۱- سابقه مدح در ایران
- ۵۶-۲- یکی از ویژگی‌های قصاید مدحی، اغراق است
- ۵۹-۳- شاعر در هنگام مدح، لف و نشرهای زیبایی را خلق کرده است
- ۶۰-۴- شاعر، ممدوحان را به شعرای عرب تشبیه می‌کند
- ۶۲-۵- شاعر در مدیحه‌سرایی، خود را به شاعران عرب مانند می‌کند
- ۶۳-۶- شاعر، ممدوحان خود را سایس و زیرک معرفی می‌کند
- ۶۴-۷- توصیف بخشندگی و جود ممدوح
- ۶۵-۸- به پادشاهی رسیدن ممدوح، امری است از جانب خدا
- ۶۷-۹- تشبیه ممدوحان به شخصیت‌های دینی و پیامبران
- ۷۰-۱۰- تشبیه ممدوحان به ماه و خورشید
- ۷۱-۱۱- توصیف خشم و عصبانیت ممدوحان
- ۷۲-۱۲- تشبیه ممدوحان به پرندگان و حیوانات
- ۷۳-۱۳- ستایش عدل و عدالتگری ممدوح
- ۷۴-۱۴- تشبیه ممدوحان به قهرمانان شاهنامه

- ۷۵ ۱۵-۴- اشاره به وقایع تاریخی در اشعار مدحی
- ۷۶ ۱۶-۴- پادشاه، سایه خداست

فصل پنجم ————— اعیاد و جشن ها

- ۷۸ ۵- جشن نوروز
- ۷۸ ۱-۱-۵- معنی لغوی نوروز
- ۸۰ ۲-۱-۵- پیدایش و وجه تسمیه نوروز
- ۸۱ ۳-۱-۵- چند روایت دیگر در خصوص پیدایش نوروز
- ۸۴ ۴-۱-۵- آداب و رسوم جشن نوروز
- ۸۷ ۵-۱-۵- بازتاب نوروز در اشعار منوچهری و برخی از شاعران دیگر
- ۹۱ ۲-۵- جشن مهرگان
- ۹۱ ۱-۲-۵- معنی لغوی مهرگان
- ۹۲ ۲-۲-۵- چند روایت در خصوص پیدایش مهرگان
- ۹۴ ۳-۲-۵- الحان موسیقی ویژه جشن مهرگان
- ۹۵ ۴-۲-۵- بازتاب جشن مهرگان در اشعار منوچهری
- ۹۷ ۳-۵- جشن سده
- ۹۷ ۱-۳-۵- معنی لغوی سده
- ۹۹ ۲-۳-۵- بازتاب جشن سده در اشعار منوچهری

فصل ششم ————— منوچهری و علوم زمانه خویش

- ۱۰۴ ۱-۶- نجوم
- ۱۰۸ ۲-۶- موسیقی
- ۱۱۳ ۳-۶- طب
- ۱۱۴ ۴-۶- نرد و شطرنج

فصل هفتم ————— مضامین قرآنی، حدیث و امثال حکم

- ۱۱۶ ۱-۷- مضامین قرآنی
- ۱۲۲ ۲-۷- حدیث
- ۱۲۳ ۳-۷- امثال و حکم

فصل هشتم _____ عشق و مضامین عاشقانه

- ۱۲۸ ۸-۱-عشق
۱۳۱ ۸-۲-اشعار تغزلی منوچهری
۱۳۳ ۸-۳-معشوق مذکر

فصل نهم _____ نکوهش دنیا و نکوهش حاسدان

- ۱۳۶ ۹-۱-نکوهش دنیا
۱۳۹ ۹-۲-نکوهش حاسدان

فصل دهم _____ ذکر عنواین و اسامی در شعر

- ۱۴۵ ۱۰-۱-اسامی شعرای عرب
۱۴۷ ۱۰-۲-اسامی قهرمانان شاهنامه
۱۴۸ ۱۰-۳-اسامی پیامبران

فصل یازدهم _____ توصیف اسب

- ۱۵۲ ۱۱-۱-تشبیه اسب خویش یا اسب ممدوح به اسب های مشهور
۱۵۳ ۱۱-۲-توجه به جزییات و تیزبینی در توصیف مرکب

نتیجه گیری ۱۵۶

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

در حوزه زبان و ادبیات پارسی، تحلیل محتوایی آثار نویسندگان و شناخت و استخراج درون مایه های آن آثار، امری مهم محسوب می شود و به لحاظ سبک شناسی حائز اهمیت است. شناخت و دریافت درون مایه ها و مضامین آثار یک دوره، این امکان را به فرد می دهد که با فرهنگ و زبان آن دوره آشنا شود و این آشنایی در اعتلا و پیشرفت فرهنگ خود فرد و جامعه مؤثر است.

پایان نامه ای که پیش رو دارید با عنوان تحلیل محتوایی اشعار منوچهری دامغانی، به قصد شناخت درون مایه ها و اندیشه های به کار رفته در شعر این شاعر نوشته شده است. این پایان نامه متشکل از یازده فصل می باشد؛ فصل اول آن با عنوان کلیات، شامل: مقدمه، بیان مسأله، اهداف تحقیق، سوالات تحقیق، فرضیه ها و تعریف مفاهیم پژوهش است و در آخر فصل هم، شرحی مختصر از زندگی شاعر بیان می شود.

در فصل دوم به بررسی جایگاه طبیعت در شعر منوچهری می پردازیم و هر کدام از جلوه های طبیعت که در شعر منوچهری یافت می شود، در این فصل آورده خواهد شد؛ از جمله: گل، پرندگان، بهار، خزان، اطلال و دمن، ماه، خورشید، ابر، باران و... در فصل سوم موضوع بحث خمریات است، که درباره جایگاه و معنی شراب در شعر منوچهری سخن گفته می شود و نظر منوچهری را در خصوص شراب و میگساری بیان می کنیم. مدح و ستایش ممدوحان، موضوع مورد بحث در فصل چهارم است. در این فصل در مورد سابقه و ریشه مدح در ایران سخن می گوئیم و دید منوچهری نسبت به مدح بیان خواهد شد

فصل پنجم به معرفی اعیاد و جشن ها اختصاص داده شده و سعی می شود سه جشن بزرگ : نوروز، مهرگان و سده تعریف، و چگونگی بازتاب آنها در شعر منوچهری مشخص شود. فصل ششم در مورد علوم و فنونی است که شاعر در سرودن اشعار خود از آنها سود برده است؛ از جمله این علم ها: نجوم، موسیقی، طب و نرد و شطرنج است که در این فصل در مورد میزان آشنایی منوچهری با این علوم و میزان انتشار آنها در اشعار وی بحث می کنیم.

در فصل هفتم به بررسی مضامین قرآنی، حدیث و امثال و حکم در شعر منوچهری پرداخته ایم و تلاش می کنیم بسامد استفاده از این مضامین را مشخص کنیم. عشق و مضامین عاشقانه، موضوع مورد بحث در فصل هشتم است و بر آن هستیم که نگاه منوچهری را نسبت به عشق و معشوق بیان کنیم. در فصل نهم سخن از نکوهش حاسدان و نکوهش دنیاست و رابطه منوچهری با دنیا، رابطه اش با حاسدان و رابطه حاسدان با وی بیان شده است.

فصل دهم شامل ذکر اسامی شعرای عرب، پهلوانان شاهنامه و پیامبران در اشعار منوچهری است و میزان و دلیل اشاره به این اسامی و عناوین را بیان می‌کنیم. فصل یازدهم در توصیف اسب آورده شده و نوع توصیفاتی که منوچهری درباره اسب آورده و همچنین تأثیرپذیری منوچهری از شعرای عرب در توصیف مرکب مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت هم نتیجه گیری خود آمده است.

۱-۲- بیان مسأله

بررسی آثار و اندیشه های بزرگان و مفاخر در ادبیات فارسی امری مهم تلقی می‌شود و برای شناخت فرهنگ و ادب هر دوره، ناچاریم به بررسی کتب و آثار آن دوره بپردازیم. بر این مبنا، در این پژوهش بر آنیم تا با بررسی محتوا و درون مایه شعر منوچهری دامغانی، قدمی هر چند کوتاه در شناخت اندیشه های شاعر و نمایاندن فرهنگ آن دوره برداشته باشیم.

۱-۳- اهداف تحقیق

- در این پژوهش نگارنده بر آن بوده که:
- الف) اندیشه ها و درون مایه های اصلی شعر منوچهری را بشناسد.
 - ب) جایگاه طبیعت را در شعر منوچهری تبیین کند.
 - ج) جایگاه علوم و فنون، اعیاد و جشن ها را در شعر شاعر مشخص کند.
 - د) تقلیدی یا ابداعی بودن درون مایه ها را روشن سازد.
 - ه) جایگاه و معنی شراب را در شعر منوچهری توضیح دهد.

۴-۱-سوالات تحقیق

نگارنده کوشیده است برای سوالات زیر جوابی بسزا و شایسته پیدا کند:

الف) اندیشه های بنیادین منوچهری دامغانی چیست؟

ب) آیا منوچهری شاعری مقلد بوده است یا مبدع؟

ج) طبیعت در شعر منوچهری چه جایگاهی دارد؟

د) شراب در شعر منوچهری چه معنی دارد؟ آیا معنی عرفانی دارد؟

ه) علوم و دانش های زمانه، تا چه اندازه در شعر منوچهری نمود دارند؟

۵-۱-فرضیه ها

الف) به نظر می رسد طبیعت و جلوه های مختلف آن، خمریات و مدح از درون مایه ها و مضامین اصلی شعر منوچهری دامغانی هستند.

ب) آنچه از شعر منوچهری در ذهن تداعی می شود، این است که هم مقلد و هم مبدع است. وی در بعضی از موارد مثلاً وقوف بر اطلال و دمن و توصیف اسب از شعرای عرب تأثیر پذیرفته است.

ج) طبیعت و جلوه های آن تأثیر بسزایی در شعر منوچهری داشته است؛ به طوری که در اکثر قصاید وی سخن از طبیعت دیده می شود.

د) به نظر می رسد خمریات در شعر منوچهری از بسامد بالایی برخوردار است. منظور از شراب در شعر این شاعر، شراب عرفانی نیست، بلکه منظور همین شراب ساخته شده از آب انگور است.

ه) اشاره به علوم و فنون در شعر عهد غزنوی چندان مرسوم نبود ولی با وجود این به نظر می‌رسد اشاره به علوم در شعر منوچهری نسبت به همعصران خود، از نمود بیشتری برخوردار است.

۶-۱- تعریف مفاهیم

الف) منوچهری دامغانی: منظور ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی، شاعر عهد غزنوی است. (وفات ۴۳۲ هـ)

ب) تحلیل محتوایی: منظور از تحلیل محتوایی بررسی درون مایه‌ها و مضامین شعر از نظر ادبی و هنری است.

ج) مدح: در لغت به معنی ستایش کردن و تمجید است. مدح یکی از درون مایه‌های اصلی شعر فارسی است.

۷-۱- زندگی نامه:

بر هر کسی لطف کند، و بیشتر لطف بر احمد بن قوص بن احمد کند همی ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی، از بزرگان خوش قریحه زبان فارسی است. گفتار تذکره نویسان در مورد شرح حال این شاعر بزرگ، چندان واضح و مشخص نیست و گاهی بین سخنان آنها تناقض دیده می‌شود. صاحب مجمع الفصحاء منوچهری را شاگرد عنصری می‌داند « اگرچه در فن شاعری شاگرد حکیم عنصریست اما در عذوبت بیان و طلاقت لسان از استادانش برتر است »

(هدایت، ۱۳۴۰: ۱۲۴۱)

در مورد لقب و تخلص او گفته اند:

«سبب تسمیه او به شصت کله کثرت خیول و مواشی است و بعضی گفته اند که اصبع ابهام او شکستگی یافت چون کل و کله به معنی اعراج و اشل آمده باین لقب ملقب شده»
(همان، همانجا)

و نیز گفته اند:

«نامش احمد، کنیه ابوالنجم، لقب شصت کله و منوچهری تخلص او بود... او در دربار امیر منوچهر بن شمس المعالی امیر قابوس بن وشمگیر پادشاه جرجان که در سنه ۳۸۶ هجری بر تخت نشست ملازمت داشت و بدینجهت تخلصش منوچهری بوده است»
(شبلی نعمانی، ۱۳۱۶:۱۳۲)

و نیز:

«در دوران جوانی در منطقه گیلان و مازندران اقامت نمود، در آنجا ابتدا در دربار آل قابوس بوده و تخلص خود یعنی "منوچهری" را از نام فلک المعالی منوچهر بن قابوس گرفته است. سپس مدتی در ری بوده و بعد از آن سراغ غزنویان رفته و بیشتر دوران شاعریش را نزد مسعود غزنوی گذرانده است»
(اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

یکی از محققان در خصوص تاریخ ولادت و وفات آن می نویسد:

«ولادت او ظاهراً در اواخر قرن چهارم یا سالهای نخستین قرن پنجم اتفاق افتاده است زیرا او در اشعاری که به عهد سلطنت محمود (۴۲۱-۴۳۲) سروده چند بار به جوانی خود اشاره کرده است و بنابر قول عوفی نیز "اندک عمر بسیار فضل" بود و تاریخ وفاتش را هم در سال ۴۳۲ نوشته اند و بنابراین نباید ولادت او از تاریخی که گفته ایم زودتر اتفاق افتاده باشد.»
(صفا، ۱۳۷۱: ۵۸۱ و ۵۸۰)

همین محقق در مورد تخلص او می نویسد:

« تخلص منوچهری بسبب انتساب شاعرست به فلک المعالی منوچهر بن شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیاد دیلمی که از سال ۴۰۳ تا سال ۴۲۳ در گرگان و طبرستان سلطنت می کرده و منوچهری ظاهراً در آغاز کار در دربار او بسر می برده است»

(همان، همانجا)

درباره ارتباط او با دربار غزنوی نوشته اند:

«از کیفیت ارتباط منوچهری با دربار غزنوی اطلاع صریح در دست نیست و گویا این ارتباط اندکی بعد از حدود سال ۴۲۱ صورت گرفته باشد زیرا منوچهری پیش از آنکه در سال ۴۲۶ در ساری به خدمت مسعود بن محمود رسد، در ری بسر می برده است و معلوم است که پیش از این تاریخ مسعود را ملاقات کرده باشد ولی این مانع آن نیست که پس از ورود به ری با دربار مسعود ارتباطی داشته بوده باشد. از جمله قدیمی ترین قصاید که بعد از ورود به ری سروده یکی قصیده ای است به مطلع:

بینی آن بیجاده عارض لعبت حمری قبای سنبلش چون پر طوطی روی چون فر همای
که در مدح خواجه طاهر دبیر سروده است و چون خواجه طاهر دبیر در جمادی الاخر سال ۴۲۴ از کدخدایی عراق معزول و بوسهل حمدونی بجای او گماشته شد، پس ناگزیر منوچهری شعر خود را در مدح او پیش از این تاریخ گفته است.

در سال ۴۲۶ مسعود بقصد گرگان و مازندران از نیشابور به آن جانب لشکر کشید و منوچهری را در مازندران از ری به خدمت خود خواند و او که ظاهراً تا این هنگام بوسیله امرای دولت غزنوی در ری با درگاه مسعود ارتباطی یافته بود»

(همان: ۵۸۲ و ۵۸۳)

یکی از محققان بلخی بودن منوچهری، منصب ترخانی داشتن و شصت کله بودن منوچهری را رد می کند. برای توضیح کامل نگاه کنید به مقدمه دیوان منوچهری تصحیح دبیر سیاقی.

فصل دوم

طبیعت

(گل ها، پرندگان، شب، اطلال و دمن، بهار، خزان، خورشید، ابر، ماه، باران و...)

۱-۲-طبیعت:

جایگاه طبیعت در اشعار منوچهری بر هیچ فرزانه ای پوشیده نیست. طبیعت و جلوه های آن به شکل های مختلفی در اشعار این شاعر نمود پیدا کرده است؛ چنانکه اهل فضل این شاعر را به عنوان شاعر طبیعت می شناسند «منوچهری را شاعر طبیعت بای خواند دیهان او گواه این دعوی است کودکی او در دامغان با آن عیانهای فراخ و بی کران که بیامون آن را فرا گرفته است، گذشت، بخشی از جواری او رهن گوی در کناره های درلی خزر و دامنه های البرز به سرآمد

لُئلی این محیط عشق به طبیعت را به او القا کرد» (زرین کوب، ۱۳۴۷: ۳۹)

و رهن نوشته اند: «وی [منوچهری] مناظر مختلف طبیعت را از بیابان و کوه و جنگل و مرغزار و آسمان و ابر و باران و موجودات گوناگون موضوع وصف قرار داده و هیچ یک از اجزای آن مناظر را از نظر تیزبین خود دور نداشته و از عهده وصف و تجسیم همه آنها به بهترین وجه بر آمده است» (صفا، ۱۳۷۱: ۵۸۸)

و نیز گفته اند: «منوچهری در شعر فارسی، مشتاق ترین شاعر به وصف طبیعت است»

(غلامرضایی، ۱۳۸۲: ۶۸)

نیمه اول قرن پنجم هجری را در ادبیات فارسی باید دوره طبیعت و تصاویر حسی در شعر دانست؛ چرا که شاعران این دوره بیشتر برون گرا بوده اند و به طبیعت و جلوه های آن توجه خاص داشتند. منوچهری در میان این شاعران، گوی سبقت را برده، لقب شاعر طبیعت حقیقتاً سزاوار و شایسته اوست. یکی از محققان می نویسد:

«از آن جا که این دوره (نیمه اول قرن پنجم) را باید دوره طبیعت و تصاویر طبیعت در شعر فارسی دانست منوچهری، بهترین نماینده این دوره از نظر تصاویر شعری به شمار می رود زیرا از نظر توفیق در مجموعه وسیعی از تصاویر گوناگون با رنگ ها و خصایص ویژه دید شخصی شاعر او توانسته است شاعر ممتاز این دوره بر روی هم، در حوزه های حسی و مادی طبیعت، بزرگترین شاعر در طول تاریخ ادب فارسی به شمار آید. تصاویر شعری او اغلب حاصل تجربه های حسی اوست و از این نظر طبیعت در دیوان او زنده ترین وصفها را داراست چرا که بیان مادی و حسی او از طبیعت با کنجکاوی عجیبی که در زوایای وجودی هر یک از اشیا دارد چندان قوی است که هر تصویر او از طبیعت چنان است که گویی آینه ای فرا روی اشیا داشته و از هر کدام تصویری در آینه - که روشن است و بی کرانه - به وجود آورده است»

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۰۱)

همین محقق منوچهری را بزرگترین شاعر طبیعت گرای زبان فارسی می داند و می گوید:

«بر روی هم او [منوچهری] را باید بهترین نماینده تصاویر طبیعت در شعر فارسی و بزرگترین شاعر طبیعت گرای زبان فارسی به شمار آورد که با همه اشعار کمی که از او باقی است دیوانش دفتر طبیعت و دیوان گلها و پرندگان و جانوران و میوه ها و آهنگها و نغمه هاست و اگر در مورد شاعران دیگر این عصر کوشش شود که تصاویر برجسته و اصیل آنها استخراج شود در

دیوان او تصاویر اصلی و ابتکاری چندان هست که باید تشبیهات غیر اصلی و کلیشه ای را که بسیار کمتر است استخراج کرد و بقیه تصاویر او را به طور کلی ابداعی و ابتکاری دانست «
(همان: ۵۲۵)

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که منوچهری در توصیفات که از طبیعت به دست می دهد، بیشتر از آرایه تشبیه استفاده می کند. البته استعاره و دیگر صنعت های ادبی در شعر او هست، ولی بسامد تشبیه از همه بالاتر است و تشبیهات وی اکثرا از نوع محسوس به محسوس هستند. یکی از پژوهشگران می نویسد: «شیوه او در توصیف طبیعت، بهره گیری از تشبیه و برابر هم ساختن آثار و عناصر طبیعی و اشیا و امور برخاسته از محیط زندگی است، اگرچه گاه استعاره هایی که پیوند شباهت قوی دارند در شعر او دیده می شود، ولی پایه شعر منوچهری بر تشبیه، آن هم از نوع مقایسه آثار محسوس و ملموس با آثار دیگر از این نوع می باشد «

(امامی ۱۳۸۳: ۲۷)

شعر در سبک خراسانی برونگراست و با عالم درون چندان کاری ندارد و طبیعتی که منوچهری وصف می کند، آفاقی است نه انفسی، به سخن یکی از نویسندگان «منوچهری مانند رمانتیکهای اروپا طبیعت را از لحاظ خود طبیعت توصیف می کند اما در شعر او احساس طبیعت آفاقی است و آن حالت انفسی را که شاعر مفاهیمی فراسوی آنها بجوید فاقد است به تعبیر دیگر منوچهری با طبیعت محض و بیرونی سر و کار دارد نه آن که مانند ناصر خسرو و خیام و مولوی و سعدی وصف طبیعت را وسیله بیان معانی دیگر قرار دهد و مثلا "برگ درختان سبز" را "دفتر معرفت کردگار" انگارد جمال و جلوه ای که در تعبیر باوم گارتن، فیلسوف آلمانی، از زیباشناسی مندرج است. اوصاف منوچهری دریافت حواس است از زیباییهای جهان نه فراتر از آن «
(یوسفی، ۱۳۷۱: ۶۶)

طبیعت دارای جلوه های فراوان و متفاوتی است که بیشتر آنها در دیوان منوچهری یافت می شود؛ از قبیل: گل ها، پرندگان، ستارگان، ماه ، خورشید، اطلال و دمن ، هلال، قوس و قزح، ابر، باران ، شب ، بهار، پاییز طلوع و غروب خورشید و ... در ادامه برای عناصر طبیعت که منوچهری در اشعار خود آورده، نمونه هایی می آوریم.

۲-۲- گل:

یکی دیگر از مضامین شعری منوچهری دامغانی، گل ها و درختان است شاعر نام انواع متعددی از گلها را در اشعار خود ذکر کرده است. وی حدود ۴۸ نوع گل را در ابیات خود نام برده و با تشبیهات زیبا و لطیفی این گلها را معرفی کرده است. اغلب این تشبیهات محسوس هستند و شاعر در این تشبیهات، به تمام جزئیات گل توجه دارد و این جزئیات را مشبه یا مشبه به قرار داده است:

نرگس میان باغ تو گویی درم زنیست	اوراق عشرهای مجلد کند همی
در لاله زار ، لاله نعمان سرخ روی	خالی ز مشک و غالیه بر خد کند همی
وان نسترن چون ناف بلورین دلبری	کو ناف را میانه پر از ند کند همی
وان برگهای بید تو گویی کسی بقصد	پیکانهای پهن زبرجد کند همی
ضراب وار شاخ گل زرد هر شبی	دینارهای گرد مجدد کند همی
از بهر آنکه زلف معقد نکو بود	سنبل به باغ زلف معقد کند همی
و ز بهر آنکه روی بود سرخ خوبتر	گلنار روی خویش مورد کند همی ...
سوسن سرین ز بیرم کحلی کند همی	نسرین دهان ز در منضد کند همی